

چکیده:

منطقه جنوب کرمان یکی از حوزه‌های جغرافیایی کشور ایران است که از جنبه‌های متفاوتی در معرض ناامنی قرار دارد. در گذشته تمامی امور اداری-سیاسی و امنیتی این منطقه توسط مسئولین مردمی حل می‌شده است و نقش دولت محلی صرفاً کنترل و نظارت بیرونی بر مسئله امنیت در منطقه بوده است. در دهه‌های گذشته تغییراتی در شکل و انواع درگیری و ناامنی، و بالطبع مدیریت امنیت در منطقه رخ داده است که یکی از نمودها و نتایج آن تضعیف جایگاه بزرگان محلی در مدیریت امور امنیتی منطقه می‌باشد. هدف تحقیق حاضر بررسی جایگاه معتمدین محلی در اداره امور امنیتی منطقه جنوب کرمان می‌باشد.

روش به کار رفته در این تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی بوده، و روش جمع‌آوری داده‌ها؛ میدانی و با استفاده از ابزار پرسشنامه و مصاحبه می‌باشد. جامعه نمونه؛ افراد آگاه و صاحب نظر محلی بوده و حجم جامعه نمونه ۳۰ نفر می‌باشد.

نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد از نظر افراد آگاه محلی؛ احیا و تقویت جایگاه معتمدین محلی در مدیریت امنیت منطقه بسیار ضروری است. پاسخ‌گویان در سه گروه موافقین افراطی نظام معتمدی، موافقین منطقی و میانه‌رو نظام معتمدی، و نوگرایان مخالف نظام معتمدی قرار می‌گیرند. گروه غالب، افراد با نگرش منطقی بودند و از نظر آنها، نظام معتمدی همکار و مکمل مناسبی برای نهادهای دولتی تأمین امنیت در منطقه جنوب کرمان می‌باشد.

واژگان کلیدی: امنیت پایدار، نظام طایفه‌ای-فامیلی، معتمدین محلی، روش‌شناسی Q، جنوب کرمان.

۱- مقدمه و بیان مسئله:

امروزه وقوع درگیری‌های جمعی به عنوان یکی از عوامل اصلی وقوع ناامنی محسوب می‌شود که آرامش، جان، مال، و به طور کلی تمامی ابعاد زندگی شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، وجهه مناطق را تخریب می‌کند و توسعه انسانی- و فرهنگی را عقب می‌اندازد. درگیری جمعی به عنوان یکی از اصلی‌ترین معضلات اجتماعی است که علاوه بر ایجاد فضایی آکنده از خشم و نفرت، امنیت انسان را از جنبه‌های مختلف تهدید می‌کند. نزاع جمعی با هر علت و انگیزه‌ای صورت پذیرد اگر منجر به قتل شود شرایط و اوضاع کل منطقه را دگرگون می‌سازد، دامنه فضایی آن به سرعت گسترش می‌یابد و پیچیده‌تر می‌شود، نهادها و سازمان‌های امنیتی و قضایی را با مشکل مواجه می‌کند، خانواده‌ها، فامیل و طوایف متعددی را درگیر می‌کند و به اصطلاح تر و خشک را با هم می‌سوزاند. بطوریکه ممکن است گاهی این نزاع‌ها اوضاع چندین طایفه را در منطقه با مشکلات و معضلات اساسی روبرو سازد. در منطقه جنوب استان کرمان، یکی از معضلاتی که مردم و نهادهای انتظامی- امنیتی با آن مواجه هستند وقوع نزاع‌ها، و درگیری‌های جمعی می‌باشد. استان کرمان به لحاظ وقوع تعداد درگیری‌های جمعی (با ۳۱/۴ نفر به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر) رتبه اول و به لحاظ وقوع قتل نفس در این نزاع‌ها (با ۴/۱ نفر به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر)، رتبه دوم را در بین استان‌های کشور به خود اختصاص داده است (میرفردی، ۱۳۹۰، ۲۰). مدیریت ناامنی و درگیری‌های گروهی و پیشگیری از آن در چنین مناطقی سخت است و از مهمترین دغدغه‌های دستگاه‌های امنیتی منطقه می‌باشد. در این راستا؛ بررسی نقش ساختارهای طایفه‌ای- فامیلی و مدیریت محلی در همکاری با مسئولان دولتی حائز بررسی است. زیرا یکی از

محورهایی که ارتباط بسیاری با مسئله امنیت دارد تغییر در ساختارهای طایفه‌ای-فامیلی است.

بررسی اولیه ساختارهای طایفه‌ای در منطقه جنوب شرق کرمان، ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که در گذشته، معتمدین طایفه‌ای در سطح بسیار بالایی قابلیت و توانمندی خود را در تأمین امنیت درون و برون طایفه‌ای نشان داده‌اند به گونه‌ای که توانسته‌اند نقش نیابتی نهادهای چندگانه جدید امنیتی- قضایی را همراه با کارایی، و اثربخشی بالا بر عهده گیرند. اما طی چند دهه اخیر، در چارچوب تغییرات نوسازی، دستگاه‌ها و نهادهای مسئول امنیت محلی تحولاتی پذیرفته‌اند که از مهم‌ترین ویژگی‌های آن تضعیف نقش نهادهای مردمی محلی، و واگذاری آن به نهادهای دولتی می‌باشد؛ لذا می‌توان هدف کلی تحقیق حاضر را بررسی انسجام اجتماعی درون طایفه‌ای، جایگاه مسئولین و بزرگان محلی (معتمدین، ریش سفیدان، اهل قلم، مسئولان، و ...)، در امور زندگی مردم، و تحلیل جایگاه ساختار طایفه‌ای- فامیلی در راستای تأمین امنیت نرم و پایدار دانست.

بنا بر مقدمات فوق؛ سوال تحقیق بدین صورت مطرح می‌شود که رویکرد و روش مناسب برای کنترل درگیری‌ها و تأمین امنیت منطقه جنوب کرمان چه می‌باشد؟

۲- کلیات و مفاهیم تحقیق:

امنیت، اصطلاحی است مشعر بر فقدان تهدید بر ارزش‌های نادر وضعیتی است که در آن ارزش‌هایی که از دید تصمیم سازان برای بقا و بهتر زیستن جامعه حیاتی است، مورد حمایت و تقویت قرار می‌گیرند. امنیت مفهوم تازه‌ای است که به ویژه در روند تحولات جهانی در سه دهه «پایداری» گذشته و بر اثر بیم و امیدهای نو، طرح شده،

گسترش یافته و با اقبال روبه رو شده است. «امنیت پایدار» و مفاهیم ترکیبی آن مانند «پایداری» ناظر بر درک جامعی است که بر پایه آن، به همه عوامل مؤثر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی و ... در کنار یکدیگر و در تعامل با هم توجه می‌شود (احمدی پور و همکاران، ۱۳۸۹، ۴۰). در واقع هدف امنیت پایدار؛ اعمال سازوکارهای پاسخگو و سازگار به منظور تأمین آرامش جان و مال شهروندان است؛ یعنی گونه‌ای از نظارت اجتماعی که کم‌ترین هزینه را همراه با بیشترین نتایج به ارمغان بیاورد. کاوش برای یافتن پاسخ به سوال تحقیق، در ابتدا ما را به بررسی پیشینه تحقیق، رهنمون می‌سازد:

- **غفاری نسب و مقدسی (۱۳۸۳)**، در تحقیق خود تحت عنوان: «مدرنیته، بازانديشي و تغيير نظام ارزشي در طایفه دهدار در استان فارس»، مسئله اشاعه و رابطه بین سنت و مدرنیته در طایفه دهدار را از دیدگاه‌هایی همچون مدرنیته پیوندی و بازانديشي، و جهان-محلی شدن مورد بررسی قرار گرفته دادند. یافته‌های تحقیق نشان داد ارزش‌های متعلق به فرهنگ بومی نه تنها از میان نرفته‌اند، بلکه همچنان به حیات خود ادامه داده و با ارزش‌های مدرن درآمیخته و ترکیبی پدید آورده‌اند که برخی آن را فرا فرهنگ نامیده‌اند.

- **نظری (۱۳۸۶)** در پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر مسئله نزاع جمعی مطالعه موردی استان ایلام» به این نتیجه رسیده است که متغیرهای تجربه عینی نزاع، قوم‌گرایی، و پرخاشگری تأثیر معنادار مثبت، و میزان کنترل اجتماعی و تحصیلات نیز تأثیر معنادار منفی بر روی میزان گرایش به نزاع داشته‌اند.

- **حیدری و همکاران (۱۳۸۶)**، در تحقیق خود تحت عنوان «عوامل مرتبط با مدیریت انتظامی نزاع‌های دسته‌جمعی مسلحانه در شهرستان کهگیلویه» به بررسی تأثیر پنج متغیر مستقل بر روی مدیریت انتظامی نزاع‌های جمعی مسلحانه در منطقه مورد مطالعه پرداختند و نتیجه گرفتند از میان متغیرها؛ ارتقای سطح آگاهی و معلومات مردم بیشترین تأثیر و سپس توانمندی و سرعت عمل پلیس، احکام صادره قضائی، افراد معتمد و ریش سفید طوایف، خلع سلاح عمومی عوامل موثر بر پدیده درگیری جمعی هستند.

- **سام آرام (۱۳۸۸)** در مطالعه خویش تحت عنوان بررسی «رابطه سلامت اجتماعی و امنیت اجتماعی با تأکید بر رهیافت پلیس جامعه محور» ایشان در مطالعه خویش به از هم پاشیدگی و از بین رفتن انسجام اجتماعی در جامعه اشاره می‌کند و بر احیای تشکل‌های مردمی و افزایش نقش آن در ایجاد امنیت تأکید دارد.

جفری، نوگت و نیکولاس^۱ در تحقیق خود تحت عنوان «تغییر پذیری محلی بارش و ساختار نهادی طایفه‌ای» دریافتند میزان بارش، مالکیت منابع آب، خاک و در نتیجه میزان تولیدات کشاورزی تأثیر تعیین‌کننده‌ای روی ساختار درون طایفه و بین طایفه‌ای دارد؛ لذا پیشنهاد می‌کنند در راستای تعدیل و همگن‌سازی ساختار طایفه‌ای، بر توزیع منابع آب و خاک نظارت شود.

مبانی نظری:

در واقع، لازمه رسیدن به امنیت پایدار اجتماعی، برخورداری از نهادها و ساز و کارهای نظارت و کنترل اجتماعی کارآمد می‌باشد. تحولات ساختار جامعه منجر به تحول در

1 - Jeffrey B. Nugent, Nicholas Sanchez (1999) -

ساز و کارهای نظارت اجتماعی می‌شود. همان گونه که در ساختار اجتماعی گذشته مناطق مختلف کشور؛ معتمدین کارکرد جامعی داشتند و به عنوان قانونی محلی و غیررسمی در پیوند مردم و نهادهای حکومتی نقش‌آفرین بودند اما در ادوار بعدی تحولاتی در این زمینه صورت گرفته است. در خصوص جایگاه معتمدین در نظارت و کنترل جامعه؛ نظریات اجتماعی مختلفی بوده است و از زمان جامعه‌شناسان کلاسیک، تاکنون دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده است. از نظر دورکیم، اعضای جوامع محلی که همبستگی مکانیکی دارند افکار و گرایش‌هایی مشترک دارند که نسبت به جوامع با ارتباط ارگانیکی، دارای دلبستگی به خیر همگانی بیشتر و همگرایی در مسائل زندگی هستند. جامعه ارگانیکی نیز وحدت و همبستگی خود را از تفاوت‌ها و کارکردهای متفاوت می‌گیرد (آرون، ۱۳۸۷، ۳۶۱). تونیس نیز جوامع را به دسته اجتماع (گماینشافت) و جامعه (گزلشافت) تقسیم نموده و نظارت اجتماعی در «اجتماع» را به صورت غیر رسمی و از طریق مسئولین مردمی می‌داند. در حالیکه نظارت اجتماعی در «جامعه» به صورت رسمی، و سازمان‌یافته انجام می‌شود (میرفردی، ۱۳۹۰، ۱۴).

دیدگاه‌های نظری پیرامون مفهوم «میانجی‌گری» نیز بر کارآمدی این سازوکار غیر رسمی در زمینه نظارت اجتماعی اجتماع محلی تأکید دارد. مور^۱ دیدگاه خود را تحت عنوان «میانجی‌گری: راهبردی عملی برای حل تضاد و درگیری» مطرح کرده و معتقد است میانجی را طرف سومی می‌داند که برای کنار آمدن طرفین مناقشه تلاش می‌کند. میانجی‌ها شامل: میانجی‌های شبکه اجتماعی، میانجی‌های مشروع دولتی، و میانجی‌های مستقل هستند. میانجی‌های شبکه‌های اجتماعی، همان افراد مورد احترام اجتماع هستند که با طرفین درگیری رابطه دارند. آنها از نظر جهت‌گیری، انسان‌های خشتی نیستند اما

¹ - Moore

به عنوان افرادی منصف مدنظر می‌باشند. این دسته از میانجی‌ها عموماً از طریق روابط اجتماعی پایدار و بلندمدت با اجتماع محلی خودشان شناخته می‌شوند. آنها معمولاً تا زمان دستیابی به توافق، در حالت مذاکره و چانه‌زنی با طرفین نزاع مرتبط هستند. میانجی‌های قانونی افرادی هستند که به خاطر موقعیت رسمی که دارند می‌توانند بر طرفین نزاع اعمال قدرت کنند. میانجی‌های مستقل نیز به خاطر ویژگی بی‌طرفانه بودنشان نسبت به هر یک از طرفین نزاع تعریف می‌شوند (Moore, 1996, 56).

مدیریت بومی (معمدی) نزاع و درگیری در کشور ایران، مبتنی بر دانش تجربی ریش سفیدان، ساز و کارهای ساده نظارت و کنترل اجتماعی، همگونی و نظارت درونی می‌باشد. در واقع نوعی مدیریت عرفی اعمال می‌شد که مورد پذیرش اجتماع محلی بود. در حالیکه در دوران بعدی که دوره استقرار دولت- ملت می‌باشد ابزارهای اجبارگونه و شرایط نهادینه نشده فرهنگ مدنی و شهروندانی را تحمیل نموده و شرایط دوگانه ساختار حاکمیتی مدرن و بدنه اجتماعی سنتی را ایجاد نمود. مرحله سوم، مرحله نیمه سنتی - نیمه مدرن است که آمیزه‌هایی از سنت و مدرنیته حاکم شد. در این دوره نیز مدیریت محلی و فرهنگ مدنی نهادینه نشد. مرحله چهارم، مرحله نهادینه شدن فرهنگ مدنی و شهروندی است که نهادهای (قوانین و مقررات به عنوان نهاد ذهنی و سازمان‌های مجری مقررات به عنوان نهاد عینی) رسمی جایگزین نهادهای سنتی شدند و کدخدایان به طور رسمی جایگاه خود را از دست دادند. در این دوره شوراهای روستایی و عشایری مدیریت مناطق را بر عهده گرفتند (میرفردی، ۱۳۹۰، ۱۹-۱۷).

نظریه تکامل فرهنگی: در رویکردهای نوسازی نیز مطرح است. مدرنیته عمدتاً در قالب شرایط جدید جامعه اروپایی ارائه می‌شود جامعه‌ای که خود را در بوروکراسی

عقلانی، دولت مدرن، انقلاب صنعتی، پیدایش بازارهای جدید ملی و بین‌المللی، و توسعه نظام سیاسی دموکراتیک متبلور ساخته است. رویای مدرنیزاسیون، ایجاد تغییرات اجتماعی گسترده است و مبنای آن را روایت‌های نظری نو تکاملی تشکیل می‌دهد. البته امروزه، بسیاری از اندیشمندان نظریه‌های مدرنیزاسیون تک خطی را مورد نقد قرار داده و نظریه مدرنیته پیوندی را مطرح می‌کنند. این‌گونه مدرنیزاسیون از راه فرهنگ‌پذیری صورت می‌گیرد، و در آن عوامل خارجی و ارتباط و برخوردها با دیگر فرهنگ‌ها دارای نقش اساسی است. طبق دیدگاه مدرنیته پیوندی، عناصر جامعه نه تنها در یک زمان تغییر نمی‌پذیرند، بلکه تناقضات میان سنت-مدرنیته، شهری-روستایی و مقدس-سکولار و دنیوی می‌تواند پذیرفته شده و حتی به صورت نهادی درآمده باشد. طبق نظریات نوسازی، افزایش عناصر مدرنیته سبب کاهش منازعات و برخوردهای طایفه‌ای می‌شود، بنابراین وقتی شاخص‌های مدرنیته در کشوری رشد می‌کند تحولات خشونت‌آمیز کاهش می‌یابد و انسان خود را به صورت آگاهانه در ورای طایفه، قوم و قبیله خود جستجو می‌کند (تقوی نسب، ۱۳۸۶، ۸۹). اعتقاد به سران طایفه، و شیوخ کاهش می‌یابد و شکل‌های نوینی از ارتباط سیاسی ایجاد می‌شود. در نتیجه، تغییر طرز نگرش، تغییر سبک زندگی و روی آوردن افراد طایفه به شیوه‌های زندگی مدرن، کاهش منازعات و درگیری‌ها را در پی خواهد داشت (ربانی، ۱۳۸۸، ۵۴). اخیراً مفهوم مدرنیته پیوندی مطرح شده است که آن، این موضوع مورد بحث قرار می‌گیرد: چگونه نظرات و عملکردهای مدرنیته با رسوم محلی تطابق می‌یابد و در چارچوب آن تجسم پیدا می‌کند. این امر سبب می‌شود که مدرنیته همواره به مدرنیته‌های گوناگونی تقسیم گردد (Comaroff, 1993, 1) این مدرنیته چندگانه - که از طریق آمیزش مدرنیته غربی با فرهنگ بومی دیگر جوامع شکل می‌گیرد- کاملاً منطبق با گرایش‌های

مدرنیزاسیون غربی نیست. بدین‌سان، عملکردها و راه و رسم محلی در مناطق بومی مورد تحلیل قرار می‌دهد که به عملکرد مجدد و پیوسته مدرنیته از درون می‌پردازد. این دیدگاه مدرنیته را مجموعه‌ای خاص از عملکردهای اجتماعی و گفتمانی تلقی می‌کند. توجه به نحوه شکل‌گیری مدرنیته‌های محلی اهمیت رویکرد بازاندیشی انسان‌شناسی به مدرنیته و توسعه را نشان می‌دهد (3, 2000, Aree Long).

مبانی نظری تحقیق که الگوها، دیدگاه‌ها و نظریات را پیرامون مسئله تحقیق مطرح نمود در سه محور به ارائه الگوی جوامع، دیدگاه‌های میانجیگری، و نظریات تبیین‌کننده علل وقوع ناامنی می‌پردازد. جوامع محلی در دو گروه متفاوت «اجتماع یا گماینشافت» با ارتباط مکانیکی، و «جامعه (گزلشافت)» با ارتباط ارگانیکی جای گرفتند. اجتماع فضایی از زندگی است که امور امنیتی آن به علت غالب بودن همبستگی‌های قومی - طایفه‌ای عمدتاً و در بعضی موارد کاملاً بدست ریش‌سفیدان و معتمدان محلی انجام می‌شود. میانجیگری نیز می‌تواند توسط عناصر داخلی (سران و افراد محترم درون اجتماع، طایفه و فامیل) و عناصر بیرونی (سران دیگر اجتماعات، طوایف و فامیل‌ها، و مسئولین دولتی) انجام شود. نظریه گزاره‌ای است که به تبیین پدیده‌ها می‌پردازند و علل وقوع هر معلولی را بیان می‌کند. نظریات کنترل اجتماعی به دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند. نظریات گروه اول سعی می‌کنند وقوع ناامنی، درگیری و بی‌نظمی را معلول ساختارهای جامعه، کیفیت نامناسب محیط زیست، ساختارهای قدرت، قشربندی نامناسب اجتماعی و سایر عوامل محیطی بدانند. گروه دوم نیز سعی دارند علت اصلی وقوع درگیری‌ها و ناامنی را در خود فرد بیابند و از فرافکنی و ریشه‌یابی به پرهیزند. بر مبنای مبانی نظری فوق، می‌توان فرضیه تحقیق را بدین صورت صورت‌بندی نمود:

احیای شیوه‌ی سنتی مدیریت نظم اجتماعی در قالب یک نهادسازی جدید، مؤثرترین روش کنترل درگیرهای جمعی در منطقه جنوب شرق کرمان می‌باشد.

۳- روش‌شناسی تحقیق:

منطقه مورد مطالعه شامل ۴ شهرستان عنبر آباد، جیرفت، کهنوج و رودبار جنوب می‌باشد که در نیمه جنوبی استان کرمان واقع شده‌اند.

این تحقیق از نوع به لحاظ روش‌شناسی؛ توصیفی-تحلیلی می‌باشد. روش جمع‌آوری داده‌ها؛ میدانی و با استفاده از ابزار پرسشنامه و مصاحبه می‌باشد. جامعه نمونه؛ افراد آگاه و صاحب نظر محلی بوده و حجم جامعه نمونه ۳۰ نفر (که در روش‌شناسی کیو مطلوب و کافی است) می‌باشد. تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل عاملی نوع Q؛ و آزمون on sample T-test در محیط نرم‌افزار SPSS انجام گرفت.

ریشه‌های نظری روش‌شناسی Q بیشتر به اصل عدم قطعیت بر می‌گردد که شناخت حسی را زیر سؤال برده و معتقد است رفتار و ساختار پیچیده از طریق روش‌های سطحی‌نگر و مشاهدات مستقیم شناسایی نمی‌شود (خوشگویان‌فرد، ۱۳۸۶، ۲۲-۱۹). روش‌شناسی کیو به جای تأکید بر افراد، روی محتوای تصور و ذهنیت افراد تمرکز دارد. روش‌شناسی معمول روی داده‌های عینی، و تحلیل و تفسیر آن‌ها تأکید دارد در حالیکه تمرکز روش‌شناسی Q، روی ادراکات مردم و الگوهای ادراکی که دیده‌ای مشابه را نشان می‌دهند می‌باشد. (McKeon, B. F. and Tomas. D. 1988, 13). روش‌شناسی کیو در تمامی مراحل بررسی یک مسئله - از مرتب کردن گویه‌ها و عبارات گرفته تا ساختن مقیاس، گردآوری داده‌ها، تحلیل داده‌ها و تفسیر یافته‌ها- اصول و روش‌های خاص خود را دارد و با روش‌های معمول تحقیق متفاوت است. این روش‌شناسی، مقیاس‌ها و ابزارها (مانند پرسشنامه‌هایی که در روش‌های معمول

تحقیق استفاده می‌شود) را نوعی قالب از پیش تعیین شده می‌داند که افراد مجبورند خود را با آن وفق دهند. ارائه قالب‌های از پیش تعیین شده و مقیاس برای سنجش ذهنیت‌ها به معنای شناخت ادراکات پیش از اجرای پژوهش است، در حالیکه در عمل چنین نیست. در واقع روش‌شناسی کیو فارغ از چارچوب نظری و تعریف مفهومی، و تعریف عملیاتی (ابزار سنجش)، در صدد شناسایی نحوه تصور و ذهنیت مردم در مورد یک موضوع است (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶، ۲۵). برخلاف تحلیل عاملی معمولی، تحلیل عاملی نوع Q به دنبال متغیرهای هم بسته نیست بلکه دنبال اشخاص هم بسته (ذهنیت و ادراک واحد) می‌باشد زیرا اعتقاد بر این است که چون اشخاص، نهاد و وجود همگنی ندارند و هویت‌های مختلفی دارند. در واقع باید گفت که در مسائل رفتاری و اجتماعی؛ با گونه‌هایی متنوع از ذهنیت‌ها مواجه هستیم. روش‌شناسی کیو تلاش می‌کند تا ساختار درونی پیچیده مرتبط با یک موضوع خاص را درک و معین کند (Florian Duenckmann, 2010, 286). روش‌شناسی کیو شامل ۵ یا ۶ مرحله کلیدی می‌باشد که از شناخت و تعیین موضوع شروع می‌شود و تا گروه‌بندی جامعه مشارکت‌کننده در تحقیق و تفسیر نگرش‌ها و ادراکات آنها ادامه می‌یابد (John Barry, 1999, 339). در این روش، روایی عبارات گردآوری شده در مطالعه کیو با هدف اطمینان از جامعیت عبارات انجام می‌شود نه اینکه مانند آنچه که در روش‌های کمی معمول است محقق به دنبال این باشد که آیا مقیاس ساخته شده واقعاً همان چیزی را اندازه می‌گیرد که برای سنجش آن ساخته شده است؟ (Dennis, 1988, 410-412). در روش‌شناسی Q، روایی صوری همان میزان رضایت مشارکت‌کنندگان از ظرفیت و قابلیت عبارات برای نشان دادن ادراکات آنهاست و روایی محتوایی نیز بدین صورت است که بین عباراتی که بر روی درجات طیف قرار می‌گیرند تناسب وجود داشته باشد

(خوشگویان فرد، ۱۳۸۶، ۶۰). عده‌ای معتقدند در روش‌شناسی کیو اثر محقق به حداقل می‌رسد و محقق تنها مقوله‌ها را مشخص می‌کند تا مردم مورد تحقیق واقع شوند در حالیکه چنین نیست و محقق کیو قبل از همه چیز به قدرت ابتکار و تفسیر نیاز دارد (Florian duenckmann, 2010, 284- 288). فرآیند انجام تحلیل عاملی کیو مانند تحلیل عاملی اکتشافی بوده و می‌توان از شیوه تحلیل مؤلفه‌های اصلی^۱ برای استخراج عامل‌ها، و همچنین از شیوه واریماکس^۲ برای چرخش عامل‌ها استفاده نمود. در تفسیر باید توجه داشت که معیارهایی چون: قابلیت تفسیرپذیر بودن عامل، تعداد افرادی که ذهنیت یکسان دارند، جایگاه فرد یا افراد با ذهنیت خاص، درصد تبیین واریانس، و اندازه بارهای عاملی (بیش از ۰.۷) در مهم تلقی شدن عامل‌های کشف‌شده مهم هستند (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶، ۷۳-۷۲).

۴- یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق که در واقع جایگاه نظام طایفه‌ای و نقش سران طوایف را در آن نشان می‌دهند شامل دو بخش می‌باشند. بخش اول که به جایگاه نظام طایفه‌ای و سران طوایف (معمدین) در تأمین امنیت منطقه می‌پردازد یافته‌های عینی را ارائه می‌دهد که وضعیت ملموس فعلی طوایف و معتمدین آنها را نشان می‌دهد. بخش دوم یافته‌ها که جایگاه نظام طایفه‌ای و معتمدین را در اذهان و ادراکات مردم نشان می‌دهد یافته‌های تحلیلی حاصل از روش‌شناسی کیو را ارائه می‌دهد.

یافته‌های حاصل از مصاحبه با معتمدین و بزرگان طوایف

¹ - Principal components

² - Varimax

طوایف اصلی شهرستان رودبار جنوب شامل مالکی، مهمی، شموئی (در شرق رودبار)، سالمی در مرکز، و براهویی ساکن روستای تمیری، طایفه رئیسی ساکن شمال شرقی رودبار «که تیره‌های رئیسی، جاویدان داد خدایی را شامل می‌شود»، طایفه فرامرزی در انتهای رودبار و هم مرز در کوه‌های نمدا، نارویی، بامری سابکی، سابقی، سهرابی، زابلی، درویشی، حاجب، فلاحی، خاوری و غیره می‌باشند. در حال حاضر، سردار دوست محمد عباسخان (معمد طایفه سابکی)، و سردار مهدی بامری فرزند نواب (معمد طایفه بامری) هستند، طایفه نارویی دارای معتمدین زیادی است. وضعیت معتمدین سایر طوایف هنوز مشخص نشده است.

شهرستان کهنوج، محل اسکان طوایف بزرگی است که مهم‌ترین و بزرگ‌ترین آن طایفه محمودی (لورگ) می‌باشد. سران این فامیل از بین رفته‌اند و مدتی است که معتمد ندارد. صحبت‌ها و درخواست‌های اعضای طایفه حکایت از این داشت که بزودی آقای مالک محمودی به معتمدی این طایفه انتخاب شود. طایفه داداللهی نیز شاخه‌ای از لورگ هستند. در گذشته سردار رحم‌دل تابش و در حال حاضر شجاع داداللهی معتمدین این طایفه هستند. برخی از طوایف رودباری از جمله کندر در این شهرستان زندگی می‌کنند.

مهم‌ترین طوایف عنبر آباد عبارتند از: ایل رئیسی با دو طایفه رئیسی با ۱۸ تیره، و طایفه جاویدان. معتمد طایفه رئیسی در حال حاضر سردار اله بخش محمدی رئیسی بوده که محل سکونت اصلی ایشان روستای طوهان در شهرستان جیرفت است و منزل دیگر وی در جبال بارز جنوبی واقع است. سردار داراب جاویدان نیز به عنوان معتمد طایفه جاویدان انتخاب شده است و ساکن منطقه نرگسان در جبال بارز جنوبی می‌باشد. جمعیت این ایل نزدیک به ۱۰ هزار نفر می‌باشد و عمدتاً در شهرستان‌های

رودبار و عنبر آباد ساکن هستند اما مقر اصلی آنها و معتمدین آنها در منطقه جبال بارز جنوبی است، طایفه گرگندی (هوشمند)، که سردار دادخدا هوشمند از سرداران بسیار محترم و با نفوذ گسترده اجتماعی این طایفه بوده و در حال حاضر فرزند ایشان سردار حسن هوشمند به عنوان معتمد طایفه تعیین شده است. این طایفه بسیار بزرگ است و بخش عمده‌ای از جمعیت آن در استان سیستان و بلوچستان قرار دارند. فامیل‌های گرگیچ، جرجندی، گرگندی، و هوشمند مشهورترین فامیل‌ها در آن هستند. محل سکونت معتمدین این طایفه منطقه کلجک در بخش جبال بارز جنوبی شهرستان عنبر آباد است. طایفه خسروی پهلوان، که در حال حاضر جلال خسروی فرزند عزیز خسروی به عنوان معتمد مورد احترام و خواست مردم تعیین شده است. طایفه میر، که عمدتاً در استارم ساکن هستند و پایگاه اصلی‌شان استارم است در حال حاضر حاج کرامت میری را به معتمدی پذیرفته‌اند. حاج فرج میری به عنوان بزرگ‌تر طایفه هنوز در قید حیات بوده و مورد احترام مردم است. ایل آسیابر (طوایف علی مرادی-عزیزی). بخشی از طایفه ریگی (که عمدتاً ساکن خاش هستند) در جبال بارز جنوبی ساکن هستند. طایفه توکلی (سابقاً نور علی توکلی و یحیی توکلی؛ اما در حال حاضر معتمد ندارد). طایفه احمدیوسفی (تا سال ۱۳۹۱ علیجان احمدیوسفی، و در حال حاضر معتمد تعیین نشده است). طایفه کرشاهی؛ و ایل بز سفید که معمولاً با فامیل بهادری شناخته می‌شود و در حال حاضر معتمد ندارد.

در شهرستان جیرفت، بیش از ۱۰ طایفه بزرگ و ۲۰۰ فامیل وجود دارد که از هم پاشیده‌اند و مصادیق نظام طایفه‌ای- فامیلی در آن کم‌رنگ شده است. فقط در مسائل انتخاباتی، برخی کاندیداها؛ هر چند به صورت موقت احیاگر نظام طایفه‌ای- فامیلی می‌شوند، و مدیریت طایفه‌ای در این شهرستان جایگاه خود را از دست داده است.

به طور کلی، این بخش از یافته‌ها نشان داد اگر چه طی چند دهه اخیر، سران طوایف به طور کامل از عرصه تأمین امنیت منطقه حذف شده بودند اما در حال حاضر مسئولان دولتی لازم دیدند تا به احیای نقش معتمدین و همکاری گرفتن از آنها پردازند به گونه‌ای که جایگاه معتمدین در حال احیا شدن است و مردم نیز از آن استقبال زیادی کرده‌اند.

یافته‌های حاصل از پرسشنامه

از میان ۳۰ نفری که پاسخگویی تحقیق بودند ۵ نفر از طایفه خسروی، ۵ نفر محمودی، ۳ نفر مالکی، ۳ نفر هوشمند، ۲ نفر میر، ۳ نفر بامری، ۳ نفر ناروئی، ۲ نفر طالبی (سهرابی)، ۲ نفر توکلی، و ۲ نفر احمدیوسفی می‌باشد. محل زندگی ۶۰ درصد آنها مناطق روستایی، ۶.۷ درصد در حومه شهرها، و ۳.۳۳ درصد در مناطق عشایری بوده است. ۷۰ درصد پاسخگویان در رده سنی ۱۵ تا ۴۵ سال و ۳۰ درصد در رده سنی ۴۵ تا ۶۵ سال قرار داشتند. به لحاظ تحصیلات نیز، ۳.۳۳ درصد افراد مدرک دیپلم و فوق دیپلم، ۳.۵۳ درصد لیسانس، و ۳.۱۳ درصد فوق لیسانس و بالاتر بوده‌اند.

جدول ۱- ماتریس همبستگی نشان‌دهنده بارهای عاملی مربوط به طرز نگرش جامعه نمونه نسبت به جایگاه معتمدین.

	عناصر استخراج شده (الگوی فکری هر یک از اعضای جامعه نمونه نسبت به نقش و جایگاه معتمدین).
--	---

موافقین منطقی و میانہ رو نظام معمدی	موافقین افراطی نظام معمدی	نوگرایان و مخالفین نظام معمدی	
شخص ۲، خسروی	. 942	- . 243	. 044
شخص ۱۲، مالکی	- . 933	- . 331	. 064
شخص ۶، محمودی	. 932	- . 322	. 065
شخص ۷، محمودی	. 931	- . 305	. 101
شخص ۲۴، ناروئی	. 927	- . 312	. 105
شخص ۱، خسروی	. 925	- . 340	. 026
شخص ۲۳، ناروئی	. 921	- . 281	- . 070
شخص ۲، خسروی	. 918	- . 353	- . 048
شخص ۱۷، میر	. 918	- . 371	. 077
شخص ۱۳، مالکی	- . 911	- . 134	. 318
شخص ۴، خسروی	- . 910	- . 376	. 017
شخص ۵، خسروی	- . 905	- . 380	. 029
شخص ۲۹، احمدیوسفی	. 893	- . 347	. 149
شخص ۱۹، بامری	. 886	- . 417	. 082
شخص ۱۵، ہوشمند	. 883	- . 421	. 087
شخص ۳۰، احمدیوسفی	. 873	- . 405	- . 034
شخص ۱۴، ہوشمند	. 864	- . 474	- . 062
شخص ۱۶، ہوشمند	. 841	- . 457	. 040
شخص ۲۷، توکلی	- . 831	- . 467	. 255
شخص ۱۸، میر	. 829	- . 533	. 063
شخص ۲۸، توکلی	- . 793	- . 522	. 201
شخص ۲۰، بامری	. 287	. 939	. 102
شخص ۲۱، بامری	. 232	. 939	. 103
شخص ۲۲، ناروئی	. 346	. 908	. 110
شخص ۲۵، سہرابی	. 370	. 902	. 074
شخص ۲۶، سہرابی	. 328	. 898	. 097
شخص ۱۱، مالکی	. 459	. 866	. 034

شخص ۱۰، محمودی	. 474	. 864	. 013
شخص ۸، محمودی	. 487	. 853	. 074
شخص ۹، محمودی	. 492	. 831	-. 024

طبق جدول ۱، نتایج حاصل از تحلیل عاملی Q نشان می‌دهد مردمی که در تحقیق شرکت کردند به لحاظ نگرش در مورد جایگاه معتمدین در ۳ دسته قرار می‌گیرند. گروه اول موافقین منطقی و میانه‌رو نظام معتمدی هستند که بهترین طرز تفکر و نگرش را در مورد معتمدین محلی داشته‌اند. عبارات شماره ۹ تا ۱۸ در جدول ۲، طرز نگرش این گروه را به طور تفصیلی نشان می‌دهند. گروه دوم موافقین افراطی نظام معتمدی هستند که طرز نگرش سستی و تندروانه‌ای نسبت به جایگاه معتمدین داشته‌اند. عبارات شماره ۱۹ تا ۲۵ در جدول ۲، طرز نگرش این گروه را نشان می‌دهند. گروه سوم مخالفین افراطی نظام معتمدی هستند نگرششان نسبت به کارآمدی معتمدین منفی بوده است. عبارات شماره ۱ تا ۸ در جدول ۲، طرز نگرش این گروه را نشان می‌دهند. طبق جدول ۱، بارهای عاملی مربوط به این گروه پایین‌تر از ۰.۷ بوده و لذا نمی‌توان این گروه و نگرش آنها را به عنوان یک فاکتور پذیرفت. این گروه در دو فاکتور دیگر جایگاهی نداشته‌اند و نتوانسته‌اند فاکتور سوم را نیز ایجاد کنند زیرا تعداد و شدت مخالفت در جامعه نمونه در حدی نبوده است که بار عاملی لازم را برای تکمیل فاکتور سوم ایجاد نماید. افرادی که چنین نگرشی داشتند در طایفه خسروی، مالکی، و توکی قرار می‌گیرند. برخی از خانواده‌های طایفه خسروی، به دلیل مسائل پیش آمده در سال-های اخیر پیرامون انتخاب معتمد دچار نارضایتی شده‌اند. این اختلافات بخشی از طایفه را از بخش اصلی آن جدا کرده است، آنها دلیل خود را دخالت نابجای مدیران نهادهای اداری دولتی در امور طایفه و تعیین معتمد می‌دانستند. پاسخگویان نمونه از

طایفه توکلی نیز علت نگرش منفی خویش را در این می‌دانستند که سران گذشته طایفه آنها در اذهان عمومی تصویری منفی و زورگو دارند و مهم‌تر این که در حال حاضر درون این طایفه، شخصیت‌ها و مقامات زیادی وجود دارد که خطمشی سابق را دنبال نمی‌کنند. در صورتیکه طوایف و فامیل‌های فروپاشیده نیز در مسائل سیاسی مانند انتخابات، به احیا و نمایش ساختار طایفه‌ای خود می‌پردازند و از بزرگان طایفه خویش حرف‌شنوی دارند با این حال در این طایفه واگرایی و تنوع ایجاد شده و حتی حرف بزرگان سابق خود را در مواردی نپذیرفته‌اند.

طبق جدول ۲، نتایج حاصل از آزمون T تک نمونه‌ای نشان می‌دهد عباراتی که طرز تفکر افراد موافق میانه‌رو را نشان می‌دهند امتیازشان بالاتر از حد متوسط می‌باشد. این اختلاف مثبت به لحاظ آماری در سطح ۰.۰۵ یا ۹۵ درصد اطمینان، معنادار می‌باشد. کم‌ترین امتیازات به عبارات مربوط به گروه مخالف با نگرش منفی اختصاص یافته است.

جدول ۲- نتایج توصیفی مربوط به امتیازات نهایی پاسخ‌گویان به عبارات

معنا داری (sig)	اختلاف متوسط امتیازات با حد واسط (۵)	متوسط امتیازات	عبارت
.002	-1. 96667	3.033	پایبندی به فامیل، طایفه، و معتمد مصداق سنت است و امروزه باید کنار گذاشته شود
.001	-1. 96667	3.053	جامعه امروز به سمت آزادی رفته است و هر کس می‌تواند مسائل خود را حل کند
.000	-2. 26667	2.733	امروزه رفتار و عملکرد معتمدین و سرداران جانبدارانه است و بر مبنای خیر عمومی نیست
.001	-2.	2.9633	امروزه پیشرفت اجتماعی- فرهنگی به حدی است که دیگر

	06667		معتمدین جایگاهی ندارند
. 001	-2. 06667	2. 9833	امروزه بهتر است مسائل بر مبنای قوانین دولتی حل شود نه توسط معتمدین و قوانین محلی
. 001	-2. 06667	2. 9333	معتمدین با مسائل متعصبانه برخورد می کنند و لذا باید قوانین توسط دولت اجرا شود
. 000	-2. 26667	2. 7333	میزان آگاهی معتمدین به قانون ضعیف است، و لذا نباید در حل مسائل دخالت داده شوند
. 001	-2. 10000	2. 9000	معتمدین نسبت به مردم اعمال قدرت می کنند و به منظور حذف نابرابری، باید کنار گذاشته شوند
. 361	. 60000	5. 6000	عملکرد فعلی معتمدین، باعث افزایش تعصبات طایفه ای می شود و باید کنار گذاشته شوند
. 496	. 43333	5. 4333	ما احساس می کنیم معتمدین در معرض آفت هایی چون رشوه، پارتی بازی و رودربایستی قرار می گیرند و در حل مسائل عادلانه عمل نمی کنند
. 142	. 86667	5. 8667	اگر معتمدین از میان افراد باتجربه و مسن انتخاب شوند در حل مسائل مردم مؤثرتر هستند
. 112	. 93333	5. 9333	اگر معتمدین به قوانین اجتماعی آگاه باشند موثر عمل می کنند لذا باید حمایت شوند
. 085	. 96667	5. 9667	اگر معتمدین ویژگی های اخلاقی داشته باشند موثر عمل می کنند لذا باید حمایت شوند
. 109	. 93333	5. 9333	اگر معتمدین به آموزه های دینی پایبند باشند موثر عمل می کنند لذا باید حمایت شوند
. 065	1. 06667	6. 0667	اگر معتمدین افراد نجیب بوده، و ساده زیست و شریف باشند مورد پذیرش مردم هستند
. 037	1. 13333	6. 1333	اگر معتمدین با دولت همکاری کنند و نماینده مردم نزد دولت باشند مورد پذیرش هستند
. 028	1. 20000	6. 2000	معتمدین، اگر جذبه، شخصیت و محبوبیت معتمدین سابق را داشته باشند مورد پذیرش هستند
. 061	. 93333	5. 9333	معتمدین، در صورتیکه رفتار و عملکرد خداخواهانه داشته باشند مورد پذیرش هستند
. 255	. 56667	5. 5667	آموزش و آگاهی اجتماعی تنها توسط معتمدین می تواند انجام شود

. 328	. 50000	5. 5000	معتمدین افراد برتر هستند و اگر نباشند مردم اطاعت پذیری را کنار می‌گذارند
. 384	. 43333	5. 4333	مردم دانش و آگاهی کافی ندارند و همیشه باید معتمدی باشد که مسائل را حل کند
. 795	. 13333	5. 1333	مشکلات طایفه‌ای را فقط معتمدین می‌توانند حل کنند، دولت، نیروی غریبه است حق ندارد در مسائل طایفه‌ای ما دخالت کند
. 162	-. 86667	4. 1333	معتمدین امروز هر چه باشند مورد تأیید ما هستند و به آنها اعتماد داریم
. 115	-1. 00000	4. 0000	وجود معتمد خوب است چون قدرت زیادی دارد و همه از وی حرف شنوی می‌کنند
. 289	-. 63333	4. 3667	مهم نیست معتمد چگونه فردی است، در هر صورت باید وجود داشته باشد و از وی اطاعت شود

۵- بحث و نتیجه‌گیری:

هدف تحقیق حاضر پاسخ به این سوال می‌باشد که رویکرد مدیریتی مناسب برای مقابله با ناامنی ناشی از درگیری‌های جمعی در اجتماعات محلی جنوب کرمان کدام است؟ بدین منظور، ابتدا پیشینه مطالعاتی موضوع بررسی شد. طبق یافته‌های دیگر محققان، درگیری جمعی معضلی است که عمدتاً در اجتماعات محلی با بافت طایفه-ای- فامیلی رخ می‌دهد و راهکارها و ابزارهای حل آن نیز در خود اجتماعات محلی نهفته است. طبق مبانی نظری دریافتیم ریشه‌های وقوع درگیری در بین گروه‌ها را می-توان به ساختارهای نظارتی جامعه، ویژگی‌های ژنتیکی افراد، شرایط محیط زندگی و ... مرتبط دانست. همچنین مهم‌ترین علل درگیری و ناامنی می‌تواند مسائل ناموسی، ملکی، آب، مراتع، و حتی در خیلی از موارد یک نگاه تند به یکی از اعضای طایفه و گروه باشد. در ادامه، لزوم بررسی جایگاه معتمدین در این راستا وجود داشت و بدین منظور از یافته‌های عینی و ادراکی استفاده شد. یافته‌های عینی که از طریق بزرگان

محلی و خود معتمدین بدست آمد حکایت از احیای مجدد نظام معتمدی در منطقه دارد. طبق مصاحبه‌های انجام شده، مسئولین دولتی و محلی اذعان داشتند که احیای جایگاه معتمدین امری ضروری است به گونه‌ای که می‌تواند مسائل را با کم‌ترین هزینه و با بهترین نتیجه ممکن حل کند. ضمن اینکه معتمدین می‌توانند همکاران مورد اعتماد، با صداقت و فعالی برای مسئولین دولتی باشند که هم منافع طرفین درگیری‌ها را دنبال می‌کنند و هم دولت را در تأمین امنیت پایدار همکاری می‌کنند. یافته‌های حاصل از تکنیک Q، نیز نشان داد تصورات مردم در مورد جایگاه معتمدین مطلوب است و عمدتاً موافق احیای نظام طایفه‌ای هستند به شرطی که در انتخاب معتمدین؛ معیارهایی چون ایمان و صداقت، توانمندی و آگاهی به قوانین جدید، صلاحیت، جذبه، تواضع، نجابت و مردم‌داری تا حد ممکن رعایت شود. مردم عمدتاً تأکید داشتند که فرزندان معتمدین سابق به دلایلی چون توانمندی اقتصادی، مردم‌داری و آشنایی به شرایط مردم و منطقه، نجابت و اصالت، و وجهه مناسب‌تر بین مردم باید در اولویت انتخاب باشند. البته عده‌ی کمتری از مردم نیز، معتمدین را بدون قید و شرط و توجه به معیارها قبول داشتند. عده کمی نیز مخالف احیای نظام معتمدی بودند و آن را امری غیرممکن می‌دانستند. در نظر این گروه، قانون و مسئولان دولتی مانند آفتابی بر سر همه مردم هستند که همه را با یک چشم نگاه می‌کنند و زمینه تبعیض و جانبداری وجود ندارد اما معتمدین بین مردم تبعیض قائل می‌شوند.

منابع:

- احمدی پور، زهرا، حیدری موصولو، طهمورث، و حیدری موصولو، طیبه (۱۳۸۹)، تحلیل قومیت و هویت قومی در ایران؛ جهت امنیت پایدار، فصلنامه علمی-پژوهشی انتظام اجتماعی / سال دوم / شماره اول، صص ۵۶-۳۶.

- آرون، ریمون (۱۳۸۷)، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، انتشارات علمی- فرهنگی، چاپ ۹، تهران.
- تقوی نسب، مجتبی (۱۳۸۶)، بررسی عوامل داخلی موثر بر هویت قومی و ملی در میان اعراب شهرستان اهواز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، شیراز، دانشگاه شیراز، بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی.
- حیدری، محمد؛ اسلام‌پناه، نور علی؛ لشکری، علمدار (۱۳۸۶)، عوامل مرتبط با مدیریت انتظامی نزاع‌های دسته‌جمعی مسلحانه در شهرستان کهگیلویه، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال دوم، شماره چهارم، ۵۰۰-۴۸۹.
- خوشگویان فرد، علیرضا (۱۳۸۶)، روش‌شناسی کیو، مرکز تحقیقات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، تهران، چاپ اول.
- ربانی، رسول، عباس زاده، محمد، و نظری، جواد (۱۳۸۸)، بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی موثر بر گرایش به نزاع‌های دسته‌جمعی در استان ایلام، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال اول، شماره سوم، صص ۱۲۴-۱۰۴.
- سام آرام، عزت‌الله (۱۳۸۸)، بررسی رابطه سلامت اجتماعی و امنیت اجتماعی با تأکید بر رهیافت پلیس جامعه‌محور، مجله انتظام اجتماعی، سال اول، شماره اول، صص ۲۸-۱۰.
- غفاری نسب، اسفندیار و مقدسی، علی اصغر (۱۳۸۳)، مدرنیته، بازاندیشی و تغییر نظام ارزشی در طایفه دهدار، مجله انسان‌شناسی، شماره ۵، صص ۱۶۹ تا ۱۹۶.
- میرفردی، اصغر (۱۳۹۰)، تحلیل جامعه‌شناختی بر سیر دگرگونی در نقش معتمدین در پیشگیری و مهار نزاع‌های جمعی در ایران، دفتر تحقیقات کاربردی نیروی انتظامی استان کهگیلویه و بویراحمد، انتشارات زیتون سبز.

- نظری (۱۳۸۶)، تبیین جامعه شناختی میزان گرایش به نزاع جمعی در استان ایلام،

فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۰.

- Arce. A, and long. N. (2000), "reconfiguring modernity and development from an anthropological perspective", London and New York: Rout ledge press.
- Comaroff, J. , (1993). Modernity and its malcontents, ritual and power in post colonial Africa, Chicago: university press.
- Dennis, K. (1988) , Q Methodology: new perspectives on estimating reliability and validity. INO. L. Strickland & C. F. , Newyork: Spring, (pp 409- 419).
- Florian duenckmann (2010) , the village in the mind: applying Q-methodology to re-constructing constructions of rurality ,department of geography, university of Bayreuth, Germany. Journal of rural study, pp 284–295.
- John Barry, John Proops (1999) , Seeking sustainability discourses with Q methodology, Ecological Economics 28 , pp 337–345.
- McKeon, B. F. an d Tomas. D. (1988) , Q Methodology, Sage publication, Inc.
- Moore Christopher (1996), The mediation process: practical strategies for resolving conflict, 2 nd ed, san francisco: Jossey- Bass publication.